



بریدن حلقه از دواج ساعتی بعد از زندگی مشترک

حلقه ازدواج که بعد از گذشت ساعتی از زندگی مشترک در دست تازه عروس گیر کرده بود، با تلاش مأموران آتش‌نشانی بریده شد.

به گزارش جوان، روز گذشته زوج جوانی با مراجعه به یکی از ایستگاه‌های آتش‌نشانی در پایتخت، برای بریدن انگشتر از انگشت دست تازه عروس تقاضای کمک کردند. این زوج که تنها ساعتی از زندگی مشترکشان گذشته بود، بعد از هماهنگی با ستاد فرماندهی و تلاش مأموران بعد از بریدن انگشتر ایستگاه را ترک کردند.

سقوط مرگبار هنگام نصب ایزوگام

مرد میان‌سال‌ی هنگام نصب ایزوگام از پشت‌پام ساختمان سه طبقه در شهرستان همدان، به پایین سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس شهرستان همدان از سقوط فردی از نورگیر طبقه سوم یک ساختمان مسکونی در شهرک مدنی باخیر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد در این حادثه مرد ۴۶ ساله حین نصب ایزوگام روی پشت‌پام یک ساختمان سه طبقه با سقوط از پنجره نورگیر به راهروی طبقه اول جان خود را از دست داده‌است.

سرهنگ باقری، فرمانده انتظامی شهرستان همدان گفت: «با تأیید فوت مرد میانسال، جسد به دستور بازپرس کشیک دادسرای همدان برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.»

پلیس‌های قلابی مغازه‌ها را پلمب می‌کردند

دو پلیس قلابی که با تهدید کسبه شمال تهران مغازه آنها را پلمب و اقدام به اخاذی می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ بهنام ایرلمشن، رئیس پایگاه یکم پلیس امنیت عمومی پایتخت گفت: تحقیقات برای بازداشت این دو مأمور قلابی از چند روز قبل به جریان افتاد. بررسی شکایت‌های مطرح شده حکایت از این داشت که دو مرد وارد محل کسب شهروندان شده و با ادعای از تکاپ تخلف برخی از مغازه‌ها را پلمب و سپس با گرفتن پول اقدام به فک پلمب کردند. در شاخه دیگری از تحقیقات مشخص شد که متهمان مأمور قلابی هستند که صبح روز گذشته خیابان اندرزگو شناسایی و بازداشت شدند. دو متهم در بازجویی‌ها به جرائم خود اعتراف کردند و تحقیقات بیشتر از آنها در جریان است.

بازداشت دران موتورسوار در تعقیب و گریز

دوسارق موتورسوار که با پرسه در خیابان‌های جنوب تهران اقدام به سرقت گوشی‌های تلفن همراه می‌کردند، بازداشت شدند.

به گزارش جوان، سرهنگ دوستعلی جلیلیان، سر کلانتر هفتم پایتخت گفت: ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۳:۳۰ایان ماه مأموران کلانتری ۱۳۰ تازی یاد هنگام گشت‌زنی در محدوده خیابان رجایی به راکب و ترکشین موتورسیکلت که سوار بر یک دستگاه موتورسیکلت فاقد پلاک در حال پرسه‌زنی بودند، مظنون و متوجه شدن که آنها قصد سرقت گوشی تلفن همراه مردی رهگذر را دارند. هم‌زمان با حضور مأموران، دو موتورسوار بدون ارتکاب سرقت از محل متواری شدند که مأموران پلیس آنها را تعقیب و سرانجام بازداشت کردند. مأموران در بازرسی از دو متهم پنج گوشی تلفن همراه سرقتی کشف کردند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی گوشی‌های تلفن همراه اعتراف کردند و گفتند که از مدتی قبل به این شیوه مشغول سرقت هستند که در دام پلیس گرفتار شدند. تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان در جریان است.

ایجاد مزاحمت با فروش دمنوش

مدیر کانال تلگرامی فروش دمنوش به اتهام ایجاد مزاحمت برای یکی از اعضای کانال بازداشت شده.

به گزارش جوان، چندین قبل زنی ۲۸ساله وارد پلیس فتا تهران شد و علیه مدیر کانال اعلام شکایت کرد. او گفت: مدتی قبل من عضو یک کانال فروش دمنوش آرامبخش شدم و برای کسب اطلاع بیشتر درباره محصولات که عرضه می‌شد با مدیر کانال که مردی جوان بود چت کردم. بعد از آن بود که در کمال تعجب مدیر کانال به من پیشنهاد دوستی داد که جلوه رد دادم و خواستم مزاحم نشود. این پایان ماجرا نبود بلکه چند روز بعد متوجه شدم آن مرد به نام من صفحه‌ای در اینستاگرام راه انداخته و عکس‌هایی که در پروفایل تگرامم داشتم در آن جا منتشر کرده است و آبرویم را برده است که حالا از او شکایت دارم.

بعد از مطرح شدن شکایت مأموران پلیس فتا با اطلاعاتی که شاکی در اختیارشان گذاشت موفق شدند متهم را که مردی ۲۸ساله بود شناسایی و او را در مخفیگاهش در شهرستان رابط کریم بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: بعد از تماس شاکای بود که تصمیم گرفتم با او وارد رابطه شوم. با خودم فکر می‌کردم که با ارسال متن‌های عاشقانه می‌توانم فریبش دهم که آن زن تهدید شکایت کرد و من گرفتار پلیس شدم.

سرهنگ توج کاطمی، رئیس پلیس فتای تهران گفت: متهم به همراه پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت.

گریه کردن هنگام سرقت مسلحانه و بهانه کردن بیماری دروغین سرطانی مادر، شیوه‌ای بود که سارق سابقه‌دار برای جلب ترحم شاکیان و انصراف آنها از طرح شکایت به آن متوسل شده بود.

به گزارش جوان، اوایل شهریورماه امسال بود که زن ۲۷ساله‌ای سراسیمه به اداره پلیس رفت و از سارق مسلحی به اتهام سرقت طلاهایش شکایت کرد. شاکای در توضیح ماجرا گفت: کارمند کلینیک زیبایی در شهرک غرب هستم. ساعتی قبل در حالی که هوا تاریک شده بود از کلینیک بیرون آمدم تا به خاندام بروم. هر قدر کنار خیابان منتظر تاکسی ماندم خبری از تاکسی نشد تا اینکه خودروی سواری پژویی که را نده‌اش مرد جوانی بود کنارم توقف کرد و پس از گفتن مسیر سوار شدم. پس از طی مسافت کوتاهی راننده خودرو خشاب اسلحه کلتی را به من نشان داد و از من سؤال کرد این قطعه چیه که به او گفتم خشاب تفنگ است. سپس خشاب را داخل کلت گذاشت و بعد دوباره از من سؤال کرد این چیه، در حالی که از سؤال‌های او شوکه شده بودم. به او گفتم اسلحه است که ناگهان اسلحه را به طرف من گرفت و تهدید کرد. هر قدر پول و طلا دارم به او بدهم. ابتدا دو انگشتر طلیم را به او دادم و گفتمم النگوهایم از دستم بیرون نمی‌آید که سیم چینی به من

داد و خواست النگوهایم را ببرم. به هر حال من از ترس هفت عدد النگو را هم بریدم و تحویل او دادم که سارق مسلح ناگهان شروع به گریه کرد و گفت مادرش بیماری سرطان دارد و به همین خاطر دست به سرقت می‌زند که هزینه بیماری مادرش را فراهم کند و بعد هم مرا کنار خیابانی از خودرو پیاده و از من خداحافظی کرد.

شاکای در پایان گفت: وقتی سارق مرا پیاده کرد متوجه شدم پلاک خودرواش را مخدوش کرده‌ام موفق شدم چند شماره از آن را که دیده‌ام می‌شد یادداشت کنم. ■ **طرح شکایت‌های مشابه در اداره پلیس**

با این شکایت پرونده به دستور باز پرس دادسرای ویژه سرقت برای رسیدگی به اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت. مأموران در نخستین بررسی‌ها با شکایت‌های مشابه بدین ترتیب مأموران با بدست آوردن

از این داشت سارق مسلح در پوشش مسافر کشی زنان را به عنوان مسافر سوار خودرواش کرده و با تهدید کلت کمری اموال و طلاهای آن را سرقت کرده‌است.

یکی از شاکیان که زن جوانی بود به مأموران گفت: در یکی از خیابان‌های حوالی میدان ونک برای رفتن به خانهمان سوار خودروی پژویی شدم. هنوز مسافت

چرا دوباره دست به سرقت زدی؟

واقعیتش من در زندان که بودم دوباره نقشه سرقت و زورگیری را طراحی کردم و با خودم قرار گذاشتم وقتی آزاد شدم دوباره دست به سرقت بزنم البته این بار نقشام جدید بود که می‌خواستم شاکای را فریب دهم و فکر می‌کردم شناسایی نشوم.

قضیه گریه بعد از سرقت چه بود؟

گفتم که این بار با نقشه جدید می‌خواستم طعمه‌ها را فریب دهم که به من ترحم کنند و شکایت نکنند.

چطور؟

حصولات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

سارق مسلح هنگام سرقت گریه می‌کرد



وقتی از آنها سرقت می‌کردم شروع به گریه و زاری می‌کردم و می‌گفتم که مادرم سلطان دارد و مجبورم برای هزینه درامش سرقت کنم. **فایده‌ای هم داشتم؟**
بله، نکته جالبش این بود که خیلی از زنان که طلاهایشان را با تهدید اسلحه می‌گرفتم دلشان به رحم می‌آمد و حتی به من پول هم می‌دادند و تعدادی از آنها هم اصلاً از من شکایت نکردند.

موضوع جالب دیگری هم هنگام سرقت برخورد کردید؟

بله، مثلاً یکی، دو مورد طعمه‌هایی که سوار کردم

طلای زیادی در دست داشتند و قیافه‌شان هم پولدار به نظر می‌رسید و من هم خوشحال بودم که طلا ی زیادی سرقت کرده‌ام اما وقتی طلاهای سرقتی آنها را به پلافروشتی بردم فهمیدم که طلاهای آنها همه بدلی است و دست خالی به خانه بر می‌گشتم.

اسلحه را از کجا تهیه کردی؟

در زندان با مرد خلافکاری آشنا شدم که در کار خرید و فروش اسلحه بود. او از من زودتر آزاد شد و من هم وقتی آزاد شدم به سراغش رفتم و کلت کمری را خریدم.

باند سارقان بچه محل باغ فیض دستگیر شدند

رئیس کلانتری باغ‌فیض با اعلام این خبر گفت: با بدست آوردن این اطلاعات مأموران با انجام گشت‌های نامحسوس موفق شدند، سارقان را در حالی که قصد داشتند در یکی از خیابان‌های اطراف از داخل خودرویی سرقت کنند شناسایی کردند و در تعقیب و گریزی دو نفر از سارقان را به دام انداختند. دو متهم پس از دستگیری به سرقت‌های سریالی زیادی از محدستی دو نفر از دوستانشان اعتراف کردند. سرهنگ سیف‌الله نوایی ادامه داد:مأموران کلانتری باغ‌فیض در ادامه با دستگیری همدستان متهمان از مخفیگاه آنها ۷۹قلم انواع وسایل سرقتی شامل رادیو پخش، بند و آمپلی‌فایر و گوشی وسایل دیگر سرقتی کشف و ضبط کردند متهمان که سابقه کفری ندارند در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند و گفتند که همگی بچه یک محل هستند و از مدتی قبل تصمیم گرفته‌اند دست به سرقت‌های سریالی بزنند. همچنین سارقان اعتراف کردند بعضی وسایل سرقتی را در دیوار و بعضی وسایل را به مالخری در غرب تهران فروخته‌اند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

شدند که همگی حکایت از این داشت سارقان در خیابان‌های خلوت با کج کردن کلاف در خودروهای پژو ۲۰۶ اقدام به سرقت رادیو ضبط و آمپلی‌فایر و اموال صاحب خودروها می‌کنند. در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شد، مأموران به تحقیقات خود ادامه دادند اما دریافتند سارقان در مکان‌هایی اقدام به سرقت می‌کنند که هیچ دوربین مداربسته‌ای در آن نزدیکی نصب نیست و بدین ترتیب ردی از خود به جای نمی‌گذارند. پس از این مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه چند روز قبل رهگذری به کلانتری مراجعه کرد و قلیلی از صحنه سرقت چند پسر جوان به مأموران نشان داد. مرد رهگذر گفت: در حال عبور از خیابان بودم که دیدم چند پسر جوان از خودروی پژو ۲۰۶ بیرون آمدند و با کج کردن کلاف در خودروی پژو ۲۰۶ دیگری لوازم داخل آن را سرقت کردند که از آنها فیلم گرفتم. بررسی‌های مأموران نشان داد، متهمان همان سارقان سریالی هستند که از مدتی قبل در خیابان‌های شمال غربی تهران به این‌شده دست به سرقت می‌زنند.

مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض یاند سارقان بچه محل را که اقدام به سرقت‌های سریالی از داخل خودروهای پژو ۲۰۶ می‌کردند به دام انداختند.

به گزارش جوان، چندنی قبل مردی به کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض رفت و از سرقت ضبط و پخش خودروی پژو ۲۰۶ خودش شکایت کرد. وی گفت: خودروام داخل خیابان پارک بود، وقتی به سراغ خودروام آمدم دیدم در سمت راننده کج شده و رادیو ضبط و باندی عقب



خودروام سرقت شده است. هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه مأموران کلانتری با شکایت‌های مشابه و سریالی دیگری روبه‌رو

دختر فریبکار را ز قتل پدرش را فاش کرد

بود به همین دلیل او را با ساتور تکه تکه کردم و بقایای جسد را داخل ساک گذاشتم و در جاده هراز رها کردم. پدر این ساتور را نیز در قلعه حسن خان انداختم.»

با اعترافات تکان‌دهنده زن میانسال وی به اتهام قتل عمد و دخترش به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه‌دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده زن میانسال با درخواست اولیای او به قصاص محکوم و دختر وی نیز به ۲۰سال حبس محکوم شد. این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده‌شد تا اینکه از زندان خبر رسید مادر ناهید بر اثر سخته قلبی فوت کرده‌است. بعد از آن حکم پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد. شعبه مععرض فرستاده شد.

به این ترتیب پرونده برای دومین بار در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت. در آن جلسه دختر جوان «مادرم» با پدرم اختلاف داشت به همین دلیل در نو جوانی او در یک درگیری پدرم را کشت، اما نتوانست رضایت بگیرد. به خاطر آبرویمان راز کشته شدن پدرم را مخفی کردیم و گفتیم او به خاطر سخته قلبی فوت کرده است.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

یکشنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۸ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ |

حسین فصیحی

جان‌هایی که در ترافیک و آلودگی هوا تمام می‌شود

اقتانم چند قطره باران با دانه برف در کف خیابان‌های شهر کافی است بلاوی زیادی به راه بیندازد. در خیابان‌های سیاقی همه‌ساله رانندگان و ترافیک‌های طولانی به راه می‌افتد و مسافران سرگردان کنار خیابان‌ها به دنبال پیداکردن وسیله‌ای نقلیه می‌گردند تا خود را به محل کار یا زندگی‌شان برسانند. در چنین مواقعی از تاکسی خبری نیست؛ چراکه رانندگان تاکسی فرصت را غنیمت شمرده و فقط به دنبال مسافران در دست می‌گردند و با پیدا کردن اولین مسافر آن را با چندن برابر قیمت سوار کرده و خیالشان از بابت کارکرد روزانه‌شان راحت می‌شود. شمار اتوبوس‌های شهری هم به طور حیرت‌انگیزی کاهش پیدا می‌کند و اگر هم پیدا شود تراکم جمعیت داخل آن به حدی است که جایی برای سوزن انداختن پیدا نمی‌شود چه رسد به اینکه بشود بین مسیر، مسافری را سوار کرد. در چنین مواقعی مگر می‌شود مدیری را پیدا کرد و علت این همه ناپسامانی را از او سؤال کرد؟ علت را هم که سؤال کنی مگر می‌تواند پاسخی معقول و واقع‌کننده به پرسش‌های مطرح شده بدهد. راستش را بخواهید جای مدیران شهری و انتظامی در چنین مواقعی به شکرانه این نعمت خدادادی، گرم و نرم است! آنها با خودروهایی که در خدمت دارند قبل از بروز ترافیک خود را از خطوط ویژه به محل کارشان رسانده و از راه دور بین‌های مدار بسته شاهد درهم تنیده‌تر شدن این معضلات هستند. در چنین مواقعی از دست مأموران پلیس راهور هم که کاری ساخته نیست. تردد بیش از ۵ میلیون خودرو در خیابان‌هایی که گنجایش آن را ندارد! اما مگر می‌شود مدیریت کرد؟ مدیران جامعه ما نشان داده‌اند در مقام حرف، بد طولانی دارند اما وضعیت موجود را که نگاه می‌کنی نتیجه همه درایت آنها و حرف‌هایی است که در جلسات زده‌اند. با ماجر آن جاست که همه این اتفاقاتی‌ها ناگوار در عصری در حال رخ دادن است که می‌توان با اتکا به پیش‌بینی شرایط جوی برای روزهای بحران رده تدبیری به کار بست. اگر به پیش‌بینی سازمان هواشناسی نگاه کنید برای این روزها، همان چیزی را پیش‌بینی کردند که در حال رؤیت آن هستیم. می‌ماند اینکه درایت مدیران جامعه ما هنوز رشد نکرده تا بتوانند تدبیر لازم را برای این روزها به کار گیرند. مثلاً به جای اینکه مدام تقصیر را به گردن این و آن بینند از جیم تل‌گان‌های عمومی را برای دسترسی مردم به محل کار و زندگی‌شان افزایش دهند یا برای یکبار هم که در عمر مردم به محل کار و زندگی‌شان مردم پروند و خدای نکرده بخواهند مثل یک شهروند عادی از محل زندگی به محل کارشان بروند تا شاید کمی از در شهروندی به قیای مدیریت‌شان برسد و از آنجا به ذهن‌شان سرایت کند تا شاید در نوبع مدیریت آنها تغییر ی حاصل شود. افسوس که جان شهروندان در ترافیک‌های طولانی و آلودگی هوا در حال تمام شدن است و آب هم از آب تکان نمی‌خورد!

سقوط عجیب خانم معلم از پنجره اتوبوس شهری

خانم معلمی حوالی میدان رسالت به طرز مرموزی از پنجره داخل اتوبوس شهری به داخل خیابان پرت و به شدت زخمی شد.

تحقیقات برای روشن شدن زوایایی پنهان این حادثه ادامه دارد.

به گزارش جوان، ششگانه پنجشنبه ۲۳ آبان ماه مأموران کلانتری در جام‌از زخمی شدن زنی در اثر بیرون افتادن از داخل اتوبوس شهری در یکی از خیابان‌های اطراف باخیر و راهی محل شدند.

بررسی‌ها نشان داد ساعت ۲۰:۳۰ ز ۴۰ساله‌ای خودش را از پنجره اتوبوس در حال حرکت به داخل خیابان انداخته و به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

مأموران در بررسی‌های بعدی دریافتند ز ۴۰ساله که معلم است ساعتی قبل از حادثه در میدان صنعت در شهرک غرب سوار اتوبوس مسافربری شده‌است تا به میدان رسالت برود که در میانه راه به طرز مرموزی به پایین پرت شده‌است. همچنین مشخص شداین زن در میدان رسالت با همسرش قرار ملاقات داشته و همسرش نیز منتظر او بوده‌است.

راننده اتوبوس در تحقیقات پلیسی در ادعایی گفت: این زن در میدان صنعت به مقصد میدان رسالت سوار اتوبوس شد که در میانه راه آن من خواست توقف کنم که پیاده شود. وقتی او به گفتم که در وسط خیابان امکان توقف نیست تا آنها صدای من گوشم رسید که دیدم او پنجره اتوبوس را باز کرده و خودش را به پایین انداخته است.

تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

نجات ۲ کودک خردسال از جنگال مردان آدم‌ریا

اعضای یک باند آدم‌ریایی که دو کودک خردسال را برای اخاذی میلیاردری ربوده بودند با رها کردن گروگان‌های خود در جاده زاهدان گریختند.

به گزارش جوان، چندنی قبل زوج جوانی مأموران پلیس شهر زاهدان را از آدم‌ریایی دو کودک خردسال خبر کردند. پدر این دو کودک در توضیح به مأموران گفت: «ساعتی قبل با همسرم برای خرید به خیابان انقلاب رفته بودیم. دو نفر زنم که سه و پنج‌ساله بودند در خودرو نشسته بودند که ناگهان سرشنیان یک دستگاه پژو ۴۰۵، با تهدید سلاح و استفاده از اسبری فلفل و شوکر آنها را گروگان گرفته و با سرعت از محل گریختند. بعد از ساعتی آدم‌ریایان تماس گرفتند و برای آزادی فرزندانم در خواست یک‌میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان پول کردند.» با ثبت این اظهارات، تحقیقات برای شناسایی آدم‌ریایان آغاز شد تا اینکه مأموران با استفاده از شیوه‌های نوین پلیسی کمتر از ۲۴ ساعت موفق به شناسایی متهمان شدند. به این ترتیب آدم‌ریایان وقتی از هشپاری پلیس مطلع شدند، دو کودک خردسال را در ساعت پنج‌بعدازظهر روز گذشته صحیح و سالم در مسجدی در کیلومتر ۲۵جاده زاهدان رها کرده و بلافاصله از محل متواری شدند. سرهنگ ابراهیم ملاشاهی، رئیس پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان درباره این خبر گفت: «با تحویل دو کودک خردسال به خانواده، تلاش برای دستگیری عاملان این حادثه ادامه دارد.»

مرگ کارگر هنگام حفاری کانال آبیاری

ریزش خاک در حفاری کانال آبیاری در ختتان و زمین‌های کشاورزی در شهرستان زنجان، چسان کارگر جوان را گرفت.

به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس شهرستان زنجان از مرگ کارگری حین حفاری کانال آب در جاده طرم‌این شهرستان باخیر و راهی محل شدند بررسی‌های اولیه نشان داد، در این حادثه مرد ۳۵ساله که بری آبیاری در ختتان و زمین‌های کشاورزی مشغول حفر کانال آب بوده‌است، در اثر ریزش خاک، زیر انبوهی از خاک مدفون شده و قبل از رسیدن نیروهای امدادی جان خود را از دست داده‌است. سرهنگ مختار شیرمحمدی، فرمانده انتظامی شهرستان زنجان درباره این حادثه گفت: «با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات بعد از تشکیل پرونده قضایی درباره این حادثه ادامه دارد.»